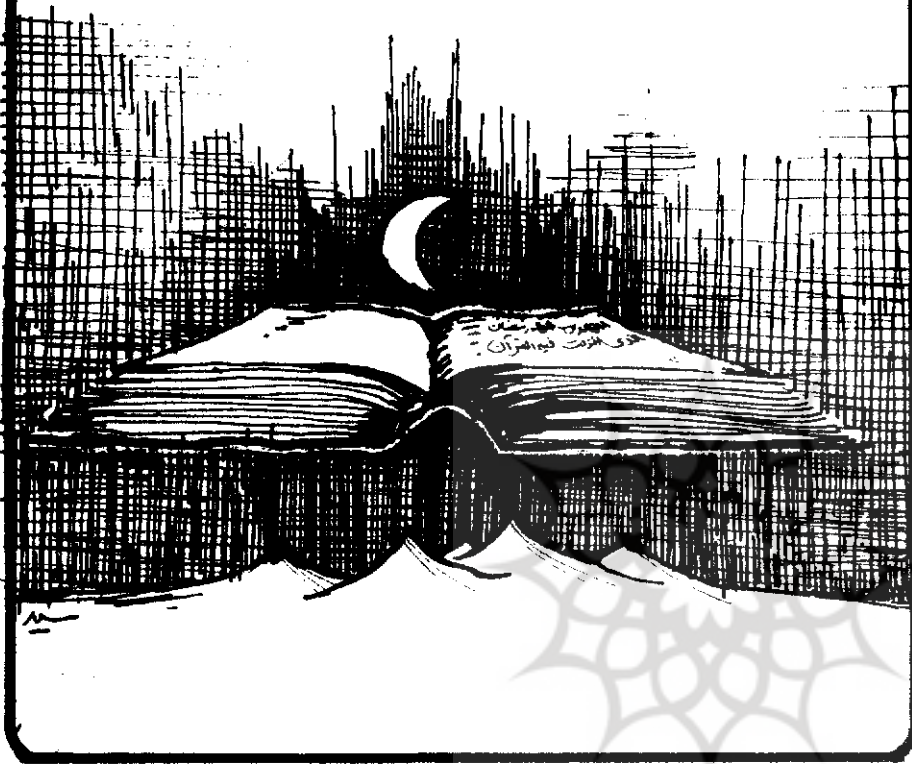


کیفیت و مکان نزول قرآن



سوال: «نزولی» که در اینجا هست. «انا انزلناه» - از نظر معنوی چه نزولی است؟
ج - «انزلناه» یعنی قرآن را پائین آورده، نه مانند اینکه خداوند یک جسمی را از بالا به پایین آورده باشد نه. این بصورت نازل است اما چه نزولی. که این بحث معنوی است.

مثال: انسان، مسئله‌ای را در عقلش بررسی میکند. این را می‌آورد به نفس از نفس به قوه خیال بعد به حس مشترک.

و بعد به لفظ و این بصورت الفاظ و گفتار تحویل شنونده می‌شود. و این یک نوع نزول است. «انا انزلناه فی لیلۃ القدر»

گاهی به ذهن می‌آید که چرا در این آیه خداوند می‌فرماید «لیله» چرا «شب» را ملاک قرار میدهد و «روز» را بیان نمیکند.

این معنایی است در رابطه با همان تفسیری که کردیم. پس سنوایی که می‌بینیم بنماییم اینست که چرا شب، نه روز؟...

شاید جهت این باشد که انسان و هر موجود جنبه‌ای در روز مشغول فعالیت است و فعالیتهایش غالباً از نظر ظاهر درباره ماده و طبیعت است. چه بسا در آیات و سوره دیگر هم اینرا معنا کردیم. و این معنایی است که از خود قرآن گرفته میشود. به تعبیر دیگر انسان دو بعدی است.

از یک نظر چون در دامن طبیعت است «بعد مادی» دارد.

و از طرف دیگر چون بعد معنوی دارد در کنار «رب» قرار میگیرد. انسان که در بعد دوم یعنی معنوی قرار گیرد برای او بهترین سیر، سیر الهی است.

آثاری که در متون اسلامی وجود دارد این چنین است. و انسان کامل (مومن حقیقی) در بعد دوم قرار میگیرد.

امیر المومنین علی (ع) در خصوص مومن می‌فرماید «شب هنگام مثل رهبانان است یعنی سیر معنوی پیدا میکند و هنگام روز مانند شیری است. یعنی از نظر فعالیتهایش و خدمات و جهاد.

اسلام بخصوص در بین مکاتب الهی هر دو جهت را (هر دو بعد را) مورد نظر قرار میدهد.

زیان آور برای خود و جامعه است فوراً همانجا صرف نظر کن. و بخدای خود پناه ببر. نه اینکه به فردا یا ماه... موکول کنی. «قل اعوذ برب الناس...»

اگر اعمال روزانه انسان در رابطه با سیر معنوی شب نباشد، فعالیتهایش ارزشی ندارد. شاید انسان بتواند تا حدودی درک کند که انبیاء و اولیاء شبها را به «تهجد» یعنی شب زنده داری برای نماز و عبادت می‌گذرانند. درباره پیغمبر - (ص) مینویسد هنگام شب از مکه خارج میشد و میرفت بسوی - غار حرا برای راز و نیاز با معبودش. درباره علی (ع) تاریخ میگوید به هنگام شب از کوفه خارج میشد و همچنین آن موقعی که در مدینه بود شب هنگام خارج میشد و در نخلستانهای آنجا شروع به عبادت میکرد.

اگر انسان بخواهد در ارتباط با «رب» باشد شب هنگام موقع سیر معنوی است. هنگامی که دیگر به حسب ظاهر ارتباطی با خلق نیست ما وقتی که سیر انبیاء را مشاهده میکنیم عیناً به همین صورت است.

انبیاء در شب سیر معنوی پیدا میکنند و در روز مثل شیر فعالیت میکنند. اگر این ارتباط معنوی در شب نباشد چه بسا هوی و هوس در روز بشر را به هلاکت میرساند. آن چیزی که به انسان مصونیت میدهد از انحرافات و گناهان، عبارت از «ارتباط معنوی» است.

به اینکه فکر کنی در بین هفته، ماه یا سال مثلاً من وقتی را پیدا کنم و بعد از اعمال بدم صرف نظر کنم. اسلام میگوید هر وقت دریافتی که اعمال

یک فضای آرام که علی (ع) و تمام انبیاء، الامم و درهائی را که در روز به آنها وارد میشد در شب آن را بر طرف میکردند در واقع «شب» محرم راز آنها بود.

آینکه دارد «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» اینستکه ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر، یعنی در آن هنگامی که روح پیغمبر (ص) یک تمرکز خاصی داشت.

و اما نظری دیگر:

نزول به معنای فرود است و اما فرود امن هم دو قسم است:

۱- ششی (بطور مثال) از محلی که این محل در قسمت بالائی قرار دارد بیک محل پائینی منتقل شود، اما خود ششی به محض تماس با چیز دیگری آسیبی نبیند مثال: سنگی را انسان از بالا به پائین بیندازد و در این فرود آمدنش هیچ تصرفی در آن نشود. این نوع نزول را «نزول مرتبه‌ای» گویند.

۲- دومین تعریف از نزول این است که، در خود ششی تصرف شده و کمی بتدریج از او کاسته میشود.

مثال: شیر خوراکی در نظر بگیرید که در آن مواد چربی است. مقداری از چربی آنرا بگیرید (مثل این است که شیری را میخوانند به طفل بدهند او چون نمیتواند آن شیری را که ۵۰٪ چربی دارد هضم کند و ناچاراً باید بر طبق سازمان وجودی خود شیر را بخورد تا مورد هضم قرار گیرد مقداری از چربی آنرا میگیرند، این را هم نزول گویند) اینرا «نزول مرتبه‌ای و درجه‌ای» میگویند.

و یک تعبیر دیگر این است می‌خواهیم غذایی تهیه نماییم برای موجودی که قابل خوراک او باشد. اگر شیری را که ۵۰٪ چربی داشته باشد بخواهیم به طفلی بدهیم نه تنها نمیتواند آنرا هضم کند چه بسا ممکن است او را به هلاکت برساند لذا بر طبق سازمان وجودی او تنزل میدهم این ماده را برای مزاجی که بتواند هضم کند.

راجع به نزول این آیه احتمال دوم این است که ما فرو فرستادیم یعنی تنزیل دادیم. پائین آوردیم قرآن را. از آن مقام بلندی که داشت آوردیم پائین (دقت کنید) در اینجا مقصود نزول مرتبه‌ای است. و این عظمت و برتری قرآن را میرساند چرا اینکار را بکنیم یعنی نزول مرتبه‌ای. برای اینکه قرآن کلام الهی است.

قرآن از آن منبع عظمت و علم لدنی حق صادر شد. این کلام الهی است و در مرتبه خلایق قرار دارد. قابل درک برای بشر نیست، بشری که مخلوق است و مزاج روحیش نمیتواند هضم کند کلام الهی را در مرتبه الهی، قرآن سیرهای نزولی کرده تا هم سطح شود برای عقل، یعنی چربهایش گرفته شده و الا قابل هضم و درک برای بشر نبود.

این سیری را که میگویند سیر نزولی است که قرآن پیدا کرده است. هر انسانی هم یک سیر نزولی

در خود دارد و آن نیروی دراکه نسبت به کلیات است که از کلیات عبور کرده به حس نفسانی و از حس نفسانی به حس مشترک و بعد به الفاظ میرسد. آیا آن چرا که عقل درک میکند همان را شما میتوانید بگویند؟ نه. زبان همیشه عاجز است. آن چرا که عقل درک میکند زبان نمیتواند بیانگر آن باشد که این باب خودش بحث جالبی است و از عهده این درس خارج است. اینرا سیر نزولی گویند تا القاء شود اینکه دارد انا انزلناه بدرستیکه ما فرو فرستادیم او را «نزولی» است، مرتبه‌ای است نسبت به احکام الهی.

بعد دارد «فی لیلۃ القدر» در شب قدر. یعنی آن شب بود که ما اینرا (قرآن را) سیر نزولی دادیم. در یک وقت بنام «لیله القدر» که آنرا ظرف زمانی قرار میدهم. فرستادیم برای فردی در (زمان) شب قدر. بحث این که فرودگاهش کجا بود؟ گفتیم در سوره بقره فرودگاهش معلوم شد که قلب مقدس پیغمبر (ص) بود. «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» بدرستیکه ما فرو فرستادیم قرآن را بر قلب پیغمبر (ص) در شب

قدر و در واقع «فی لیلۃ القدر» را ظرف زمانی گرفتیم و محلتش را قلب پیغمبر (ص).

ما خود «لیل» را فرودگاه قرار میدهم تا بگویم فرودگاه، خود شب بود.

اما باید اول «لیل» را معنا کنیم. «لیل» خود فرودگاه است. نه ظرف زمانی فعل. در سراسر قرآن می بینید قرآن راجع به قیامت که میرسد لفظ «یوم» روزه را میآورد مانند «یوم بعث» و «یوم القیامه» هر چه راجع به اسامی قیامت است روز را بیان میکند اما وقتی میرسد به مسئله نزول قرآن، مسئله شب را پیش میکند چرا آنها را روز و این را شب میگوید شاید نظر به این واقعه‌ای است از نظر سیر وجودی که فلاسفه میگویند و میخواهد در اینجا قوس صعودی و نزولی را بیان کند. «نوره» که استعمال میشود، یکی از عبارتهای موجود است. تشکیل دهنده روز و شب «نوره» است.

قرآن «نور» را در وجود مصیرف میکند.

«اللهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» یعنی هستی از او صادر میشود همین طور که تنزل پیدا میکند هر چه درجه وجودش کاسته میشود ظلمت عدم بر آنها عارض میگردد تا میرسد به پست ترین وجود یعنی مادی و طبیعی. پس پست ترین وجود «مادی» است و از این طرف که برگشت کنید به طرف بالا. یعنی به معنویت، وسعت وجودی او بالا میرود تا میرسد به «نور محض» اینکه دارد «یوم القیامه... یوم العشر» برای اینکه آنجا در کنار، «الله» است، موجود است به مبدأ نور. اول طبق آفرینش نزول میکند و بعد از مراحل دوباره صعود میکند به آنجائی که از ظلمت نیست و یکبارچه نور است بر طبق عوالم وجود، این قرآن نزول پیدا کرده است یعنی مرتبه به مرتبه پائین آمده تا رسیده به نفس کلی عالم. یعنی نفس مقدس پیغمبر (ص). این «لیلی» را که مصرف کرده است عبارت از نفس پیغمبر (ص) میباشد ظرف «زمان» را نمیگوید ظرف «ورود» را میگوید تا موقعی که این موجود در دامن طبیعت است در ارتباط با طبیعت و مادیت میباشد.

ما این قرآن را مرتبه به مرتبه پائین آوردیم و در لیل قرار دادیم یعنی در نفس پیغمبر (ص) و اما شب، انهم چه شیء... یک شب مقدسی. اما این شب، شب قدر است. قدر به معنای منزلت، عظمت، شب با عظمتی. یا به معنای اندازه گیری. چون گفتیم قدر هم به معنای منزلت و عظمت است و هم به معنای اندازه گیری. جهت این است که در شب قدر اندازه گیری میشود امور. به عبارت دیگر، شب قدر عبارت از نفس ولی هر زمان است متون اسلامی از همین مسائل زیاد دارد. یکی اینست که در شب قدر توسل به امام زمان (ع) بکنید چون طبق قوانین الله مقدرات در حیطه امام زمان (ع) قرار میگیرد. برنامه‌ها به او میرسد اینجا که دارد «فی لیلۃ القدر» آن شب با ارزشی که در آن نفس مقدرات تقدیر ورق بزنید

*** انسان در هر مرحله و مرتبه‌ای که باشد، همان مرتبه از قرآن را درک خواهد کرد، اگر در مرتبه مفاهیم باشد، مفاهیم را و بالاخره اگر در مرتبه حقایق باشد، حقایق آن را درک خواهد کرد.**

*** اگر انسان بخواهد در ارتباط با رب باشد شب هنگام، موقع سیر معنوی است، انبیاء نیز در شب سیر معنوی پیدا کرده و در روز مثل شیر فعالیت می کنند اگر این ارتباط معنوی در شب سیر معنوی را به**

میشود در زیارت اول حسین (ع) میگوید به سند امام صادق (ع).

اراده حق تعالی در رابطه با تقدیر امور (فی مقادیر) پلنین میاید سوی شما و از این مجرا صادر میشود. «انا انزلناه فی لیلة القدر»

در آن نفس با عظمت و جلالت که جنبه سرنوشتی دارد نسبت به اندازه گیری امور انسانها.

اکنون روایات: یک روایت داریم که قرآن نزول پیدا کرد تا رسید به آسمان دنیا. آسمان اول را بیت المعمور میگویند بیت المعمور یعنی خانه آباد و خانه آبدی جز نفس پیغمبر (ص) سراغ نداریم. اما اینکه گفته میشود آسمان (سماء) از جهت علو و بالا بودنش است و بلند است. درایه دیگری می فرماید (سماوات سبع) چه بسا این جمله اشاره به ۷ نفسانی بودند میباشد. یعنی انسان در هفت مرحله سیر میکند در واقع هفت سیر معنوی را باید طی کند بالا رفتن است اما بالا رفتن معنوی.

حالت هفتم که عبارت از «مهجد القلب» است یعنی آن حالتی که در نزد قلب مقدس «ولی» انجام میشود

«انا انزلناه فی لیلة القدر» بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر.

یعنی بنفس مقدس پیغمبر (ص). آیا باید بنشینیم و این مفاهیم و معانی را بگوئیم و بعد از آن هم هیچ؟

که نباید از خم کوجه ها بیرون آیم؟ اگر انسان این مراحل را سیر نکند حقیقتی از قرآن را نخواهد چشید.

در هر مرتبه ای که باشی همان مرتبه از قرآن را درک خواهی کرد اگر در مرتبه مفاهیم باشی، مفاهیم را درک خواهی کرد.

و بالاخره اگر در مرتبه حقایق آن باشی همان حقایق را درک خواهی کرد.

«انا انزلناه فی لیلة القدر» بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر.

احتمالاتی که در این باره بود عبارتند از:

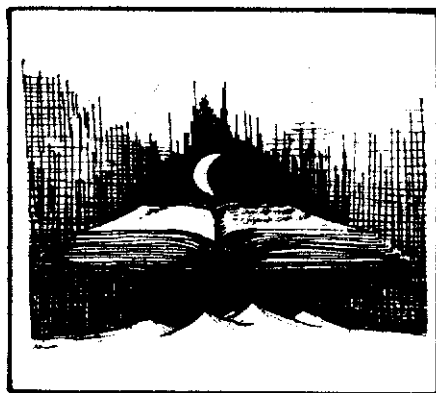
۱- فرود تمام حقایق قرآن بر قلب مقدس پیغمبر (ص).

۲- غرض از نزول، نزول مرتبه ای است. یعنی کلام الهی قابل درک و فهم عقل بشر نیست لذا این را مرتبه به مرتبه نازل کردیم.

تا اینکه قابل درک باشد برای بشر.

مثال، «شیری که برای خوراک طفل باشد» و همچنین گفتیم «فی لیلة القدر، ظرف زمانی نیست بلکه به معنای فرود می باشد که عبارت از نفس مقدس پیغمبر (ص) است.

۳- انا انزلناه (نزول مرتبه ای). بدرستی که ما، یعنی خود گویند (کلام الهی) نزول مرتبه ای دادیم قرآن را اما فی لیلة القدر اگر بمعنی ظرف زمانی بگیریم کلام الهی است و از ذات «الله» صادر میشود و آن هم در شب قدر. چرا؟ چون در شب قدر تمام قرآن دفعتا بر پیغمبر (ص) نازل شد.



* خداوند معانی عالیه قرآن را نزول مرتبه ای داد، تا برای بشر عادی قابل درک باشد از نظر زمانی در شب قدر و از نظر مکانی در نفس نفیس پیامبر اکرم (ص).

این سه احتمال را در درس گذشته به تفسیر بیان نمودیم. و اما احتمال چهارم.

۴- نزول، نزول مرتبه ای است. اما «فی لیلة القدر» ظرف - زمانی نیست بلکه ظرف مکانی و محلی است برای نزول مرتبه ای و اما مثال: اگر بخواهیم سیری را که با مزاج بچه سازگار باشد در کارخانه تهیه کنیم باید چربی آن را بگیریم و به این صورت عمل کنیم که اول شیر از یک طرف دستگاه ریخته شود و از طرف دیگر خارج گردد در نتیجه درجه بدرجه مقداری از چربی آن گرفته میشود تا قابل خوراک برای طفل باشد. در این مثال کارخانه ظرفی است برای نزول مرتبه ای شیر.

این آیه شریفه چه بسا اشاره بیک نکته عالی دارد و آن اینست که نزول، نزول مرتبه ای است.

«لیل» عبارت از نفس پیغمبر (ص) میباشد. ما (یعنی مقام ربوبی حق) نزول مرتبه ای دادیم معانی عالیه قرآن را، تا قابل درک باشد برای بشر عادی. اما در چه مکانی این عمل را انجام دادیم؟ محل نزول مرتبه ای عبارت از نفس پیغمبر اکرم (ص) میباشد. یعنی کلام الهی در یک مرتبه بسیار عالی از نظر بشر عادی به قلب پیغمبر (ص) نازل شد.

یعنی قلب مقدس در ارتباط بود بالوح محفوظ بعد چون او - پیغمبر یک بشر عادی نیست، (از نظر معرفتش به حق تعالی)، میتواند کلام الهی

را تغذیه کند ولی بشر قادر نیست آن معانی عالیه را از حق تعالی درک کند. لذا از طرف موجود این موجود نزول مرتبه ای را فرستادیم. بنابراین ما، این شیر را که در یک درجه ای از مواد چربی بود در کارخانه و جوی این انسان ریختیم. از طرفی در او ریخته شد و از طرف دیگر از او خارج شد ولی در این طرف تنزل مرتبه ای پیدا کرد و تنزل مرتبه ای برای این بود که قابل درک باشد برای انسانها. بنابراین در یک نتیجه کلی میتوان گفت:

«از درجه قلب او ریخته شد و از زبان مقدس بیرون آمد»

«انا انزلناه فی لیلة القدر»

بنابراین «لیلة القدر» عبارت از نفس شریف اوست. جهت لیلة قدر همان «اندازه گیری» است. اینهم مربوط به احتمال چهارم بود.

اما احتمال پنجم که در واقع مهمتر از چهار احتمال قبل است: علما، خصوصا علمای اصول نسبت به استعمال الفاظ میگویند آیا استعمال الفاظ مختلف با معانی واحد جایز است یا نه؟

الفاظ مشترکه ای در عربی داریم که معانی متعدده دارند مثل لفت «عین» که در عرب دو جور تعبیر میشود:

۱- به معنای چشم.

۲- به معنای چشمه.

بعد برای اینکه تمیز داده شود منظورمان معنی اولی یا دومی است. صفتی را در کنار هر یک از این الفاظ بکار میبریم تا مقصد گوینده از آن لفت معلوم گردد. مثل «عین البالیه» یعنی گریه کردن. و در دومی «عین الجاریه» یعنی چشمه ای که در آن آب جریان دارد.

علما میگویند آیا گوینده میتواند یک لفظی را که دو یا سه معنا دارد یک مرتبه آن را بگوید و آن لفظ دارای معانی گوناگون باشد؟ در جواب علمی فلسفه میگویند صحیح است و میشود گوینده یک لفظ را که دارای معانی گوناگون است بگوید.

قرآن بر طبق روایاتی که در متون اسلامی است دارای ۷ الی ۷۰- بطن است. و علمی فلسفه و اهل تحقیق میگویند «بطون سبعة» و گفتیم نزول دو جور داریم:

۱- به معنای فرود دفعی. (حال فرود آمدن مادی باشد یا معنوی)

۲- فرود آمدن مرتبه ای.

و همچنین «لیل» هم به دو معناست:

۱- شب و زمان ۲- نفس

حال در آیه شریفه انا انزلناه فی لیلة القدر از نظر «نزول» و «لیل» هر دو معنارا آورده است.

بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآن را نزول مرتبه ای، در چه ظرفی؟ از نظر ظرف یا زمان در شب قدر بود. یعنی همان شیئی که در بین ایام سال بنام شب قدر انتخاب شد. درجه ظرف و جوی انجام گرفت؛ در نفس نفیس پیامبر اکرم (ص). در اینجا در بین این احتمالات، بهترین احتمالات همین احتمال پنجم است. ادامه دارد